

مقدمه

تجربیات گذشته بیانگر پیامدهای متفاوت بلایای طبیعی در جوامع مختلف می باشند. پس از رخداد بلایای طبیعی ساختارها و شرایط اجتماعی پیشین جامعه ی آسیب دیده است که میزان صدمات وارده به اعضای جامعه را تعیین می کند؛ به طوری که برخی از افراد، کمتر آسیب دیده و برخی دیگر بهای سنگینی را پرداخت می کنند. جنسیت یکی از عوامل مهم ایجاد کننده چنین نابرابری ها و تفاوت هایی در جوامع متأثر از بلایای طبیعی است. زنان و مردان نقشهای متمایزی در جامعه ایفا نموده، مسئولیت های مختلفی در زندگی بر عهده می گیرند و توانمندی ها نیازها و آسیب پذیری های متفاوتی را دارا می باشند. در این راستا مستندات کارگاه آموزشی بین المللی «برابری جنسیتی و کاهش خطرات بلایا که با حضور ۱۰۰ شرکت کننده از ۲۸ کشور جهان توسط مرکز تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه اوهایو در آگوست ۲۰۰۴ برگزار شد و متمرکز بر ظرفیت سازی و توانمندسازی زنان بود احتمالاً اولین و مهمترین تلاش در راستای وارد نمودن مقوله جنسیت به برنامه های مدیریت بلایا در سطوح ملی و بین المللی بوده است. یکی از مهمترین خروجی های این چارچوب نظام مند، وارد نمودن رویکرد جنسیت به اقدامات کاهش خطر بلایا هست که در قالب یکی از اولویت هایچارچوب اقدام هیوگو (HEA) در سال ۲۰۰۵، به تثبیت رسید. اولویت مزبور به این شرح است: رویکرد جنسیت می بایست در تمامی اقدامات مدیریت خطر، سیاست ها، برنامه ها و فرآیندهای تصمیم گیری مرتبط با بلایا ادغام گردد که این موارد شامل ارزیابی خطر، هشدار سریع مدیریت اطلاعات و آموزش هستند.

در قلب اقدامات کاهش خطر بلایا تلاشهای بین المللی نیز برای ایجاد الگوهای پایدارتر محیطی، اقتصادی و انسانی وجود دارد. از آنجایی که زنان در خانواده و زندگی اجتماعی نقش های مهمی را ایفا می نمایند توانمندی آنان به نوبه خود در برنامه های توسعه پایدار جوامع قرار می گیرد. از طرف دیگر زنان در بلایا آسیب پذیرتر هستند و به طور نابرابر تحت تأثیر پیامدهای آن قرار می گیرند که این چالش بخصوص در مورد دختران جوان، زنان باردار، زنان معلول و سالمند که با ظرفیتهای ناکافی جهت جبران خسارتهای وارده مواجه اند بیشتر است. بنابراین در ادامه ضمن تشریح آسیب پذیریه، چالشها و نیازهای زنان در بلایا، به بیان توانمندی ها و ظرفیت های این گروه در مواجهه با بلایا نیز خواهیم پرداخت.

چالش ها و آسیب پذیری ها

دسترسی ناکافی به منابع و مالکیت کمتر دارایی ها:

- زنان کنترل کمتری بر تولیدات، بازارها، زمین و سایر منابع اقتصادی داشته، از درآمد ناکافی برخوردارند دسترسی محدود به منابع، توانایی زنان را در بازیابی خسارات ناشی از بلایای طبیعی کاهش می دهد. بر اساس گزارش بانک توسعه آسیا، بیش از ۹۵ درصد زنان سرپرست خانوار در آسیا در شرایط زیر خط فقر زندگی می کنند.

زنان قربانیان تبعیض جنسیتی در تقسیم مشاغل در جامعه می باشند:

- حضور بیش از حد زنان در صنعت کشاورزی، مشاغل خویش فرما، مشاغل با شرایط پرداخت کمتر از حد مجاز، دارای حداقل امنیت و با کمترین، مزایا قابل توجه است.
- از طرفی بخشهای کشاورزی و نیز اقتصادهای غیر رسمی معمولاً بیش از سایر بخش ها تحت تأثیر بلایای طبیعی قرار می گیرند و بنابراین فراوانی زنان در بین گروه هایی که پس از بلایا شغل خود را از دست می دهند بیشتر از سایر گروه ها است.

زنان مسئول انجام امور خانوادگی بوده فاقد آزادی عمل کافی جهت یافتن شغل می باشند.

- به دلیل اینکه زنان عمدتاً مسئولیت امور خانواده همانند مراقبت از کودکان سالمندان و معلولین را بر عهده دارند از آزادی عمل کافی در راستای مهاجرت پس از بلایا با هدف یافتن یک شغل جدید برخوردار نیستند. مردان معمولاً مهاجرت می کنند و تعداد زیادی خانوار با سرپرستی زنان را در منطقه آسیب دیده بر جای می گذارند. توجه ناکافی به این واقعیت به معنی پایدار ماندن آسیبهای زنان و عدم تأمین نیازهای آنان در جامعه آسیب دیده است.

تخریب خانه ها و انتقال مکانهای اسکان موقت و دائم:

- از آنجا که اغلب منازل مسکونی در بلایا تخریب می گردند بسیاری از خانواده ها بالاجبار به مکانهای اسکان موقت و دائم منتقل می شوند تسهیلات ناکافی این مکان ها برای انجام وظایف روزمره همانند پخت و پز به این مفهوم است که بار وظایف مربوط به خانه همزمان با بار اقتصادی خانواده افزایش می یابد و علاوه بر آن کاهش تحرک و آزادی زنان را جهت یافتن منابع درآمدی جایگزین در پی خواهد داشت.

در مخاطرات ناگهانی و سریع همچون زمین لرزه، طوفان سیلاب و:

- زنان بیشتر در معرض خطر جراحت و مرگ ناشی از محدودیتهای اجتماعی و نقشهای جنسیتی خاص خود می باشند؛ شنا کردن در برخی از فرهنگ ها برای زنان یک مهارت محسوب نشده و آموزش داده نمی شود؛ در برخی از مناطق جهان پوشش زنان، تحرک و جابه جایی آنها را هنگام وقوع بلایا محدود می نماید؛ در بعضی از جوامع زنان نمی توانند بدون همراهی یک مرد از خانه خارج شده یا به هشدارها پاسخ دهند.
- در مخاطرات دارای روندی آهسته و پیش رونده همانند خشک سالی این گونه مخاطرات افزایش بار کاری در زمینه جمع آوری ذخیره حفاظت و توزیع آب خانوار و نیز امنیت غذایی که مسئولیت آن در اکثر موارد بر عهده زنان است را در پی دارد و افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار به دلیل مهاجرت مردان را نیز موجب خواهد شد.

دسترسی محدود به سامانه های هشدار اولیه و توانایی کمتر در پاسخ به بلایا:

- هشدارها در اغلب موارد به زنان منتقل نمی شود و آنها معمولاً آگاهی کافی در زمینه چگونگی عملکرد بر اساس چنین هشدارهایی را ندارند؛

سطح آموزش و تحصیلات ناکافی:

- این محدودیت، مانع دسترسی زنان به اطلاعات می شود و توانایی آنها را جهت آمادگی و پاسخ به بلایا، کاهش می دهد.

مشارکت کمتر در تصمیم گیریهای جامعه:

- علاوه بر عدم استفاده از ظرفیت های زنان، نیازهای آنان نیز معمولاً در برنامه ها و سیاستهای ملی و بومی در نظر گرفته نمی شود و مشارکت آنها در امور مرتبط با بلایا بسیار محدود است.

سلامت زنان

- سلامت زنان، رفاه خانواده آنها و اغلب کل جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد و عامل اصلی بقا و سلامت کودکان نیز است. آگاهی آنها از رژیم غذایی، آماده سازی غذا و بهداشت شخصی و خانوادگی در سلامت خانواده بسیار مهم است. در شرایط پس از بلایا که بسیاری از افراد بی خانمان شده اند و ساختارهای اجتماعی و خانوادگی تخریب گردیده اند زنان ممکن است به طور قابل توجهی آسیب پذیر باشند. علاوه بر آن، زنان عموماً از شرایط تغذیه ای نامطلوبی برخوردارند که مقابله آنها با مخاطرات را تحت تأثیر قرار می دهد. زنان با فقدان مواد مغذی لازم مواجهند زیرا در دوره های مختلف زندگی خود نیازهای تغذیه ای منحصر به فردی دارند بخصوص دوران بارداری و شیردهی و با وجود این در برخی از فرهنگها در زنجیره غذای خانواده از کمترین اولویت برخوردار هستند. به عنوان مثال در جنوب و جنوب شرق آسیا ۴۵ تا ۶۰ درصد زنان در سنین باروری از کمبود وزن رنج می برند و ۸۰ درصد زنان باردار نیز دارای فقر آهن می باشند. علاوه بر آن زنان بیشتر در معرض ابتلا به عفونت ها و بیماری های واگیردار هستند. توجه به سلامت روان زنان در بلایا نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است که در ادامه تشریح خواهد شد.

سلامت روان

- از آنجایی که زندگی توام با خطر یا ترس پایدار، ابعاد روان شناختی زندگی افراد را با آسیبهای بسیاری مواجه می سازد بنابراین تامین نیازهای روانی و اجتماعی آسیب دیدگان، همزمان با ارتقای ایمنی آنها در منطقه آسیب دیده قویاً توصیه می گردد. در حالی که هر دو گروه زنان و مردان نیازهای بهداشت روان خاص خود را دارا می باشند. نیازهای زنان اختصاصاً به دلیل شرایط ویژه آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. دوره های پیش از بلوغ، بارداری و شیردهی اغلب نیازمند مراقبتهای روان شناختی پرستاری و پزشکی خاص مطابق با فرهنگ منطقه آسیب دیده می باشند به عنوان مثال زنان باردار، خصوصاً زنان بیوه ای که کودک خود را بدون حضور همسر به دنیا می آورند استرس های روان شناختی بیشتری را در کنار مسائل خاص دوران بارداری تجربه می کنند. توجه ناکافی به نیازهای زنان در چرخه مدیریت بلایا، آنان را در شرایط فشار روانی، حس حقارت و افزایش خشونت ها قرار خواهد داد و منجر به کاهش دسترسی زنان به فرصت ها و اختیاراتی که همزمان برای همتایان مرد آنها فراهم است خواهد شد. علاوه بر آن در صورت توجه ناکافی به چنین چالش هایی نه تنها ایفای نقش زنان در مراقبت مؤثر از تمامی اعضای خانواده با مشکل مواجه خواهد شد بلکه نقش آنان به عنوان سرپرست خانوار، ارائه کنندگان خدمات و مشارکت کنندگان در درآمدهای خانوار و نیز درآمدهای ملی دچار لطمه خواهد شد. علاوه بر سلامت روان، بهداشت باروری نیز از ابعاد اولیه سلامت زنان است که باید به عنوان یکی از اجزای اصلی تلاش های امداد رسانی در بلایا مورد توجه قرار گیرد

خشونت علیه زنان

- پس از بلایا، محافظت از زنان و دختران جوان توسط خانواده ها و شبکه های اجتماعی کاهش می یابد. زیرا در اغلب موارد زنان و مردان آسیب دیده با محیط بلازده آشنا نیستند و آمادگی لازم برای پاسخگویی به چنین شرایطی را ندارند. در این سناریوی جدید که تمامی افراد متأثر از بلا به نحوی آسیب پذیر هستند، زنان و دختران جوان در معرض بالاترین خطرات ناشی از تجاوز و خشونتهای جنسی و خانوادگی قرار دارند. پرخاشگری و خشونت افراد در محیط استرس زای پس از بلا افزایش می یابد و قربانیان تمامی خشونت ها، حمله های وحشیانه و تجاوزها در منطقه آسیب دیده، گروه زنان می باشند. چنین خشونتهایی نتایجی چون بارداری ناخواسته، ضربه های روان شناختی ناشی از تجاوز، خشونت های جنسی و نهایتاً بیماریهای مقاربتی و ایدز را برای زنان در پی خواهد داشت

در چنین محیطی، بسیاری از زنان دچار فرسودگی، اضطراب و استرس توأم با احساس تنهایی می شوند ملزم نمودن زنان به تقبل مسئولیت ها به تنهایی و در حالی که به حقوق آنها بی احترامی می گردد، بیش از پیش احساس درماندگی و فشار روانی را در آنها ایجاد و تقویت می کند. متأسفانه، برخی از زنان این استرس را با سوء استفاده از کودکان خود کاهش می دهند.

مطالعه موردی طوفان میچ

در پاسخ به افزایش خشونت های جنسی پس از طوفان میچ در نیکاراگوئه، یکی از سازمانهای مردم نهاد فعال در این منطقه Puntos de Encuentro برنامه ای را سازمان دهی کرد که بر اساس آن در رسانه های مختلف تنها یک پیام ساده منتشر می شد **خشونت علیه زنان بلایی است که مردان می توانند از آن پیشگیری کنند** این برنامه در تغییر نگرش مردان نسبت به اعمال خشونت علیه زنان بسیار مؤثر بود

همان گونه که تجربه بلایای اخیر نشان می دهد برنامه های فاقد رویکرد جنسیت مانع دستیابی مؤثر زنان آسیب دیده به منابع امداد شامل سهم غذا، اسکان دائم و موقت و ...) و بازیابی می گردد و فرصتهای مشارکت و همکاری آنها را نیز سلب می کند. چنین برنامه هایی، نه تنها زنان را تحت فشارهای همه جانبه قرار می دهد، بلکه انگیزه آنها برای مشارکت در مداخلات مرتبط با مدیریت بلایای منطقه خود، همانند برنامه ریزی بازیابی و نیز کاهش خطر بلایا در طولانی مدت را کاهش می دهد. این رویکردها، شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی زنان و نیز جایگاه وابسته آنها را تشدید می کند و بنابراین به ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی پس از اجرای فرآیند بازیابی منتهی نخواهد شد. این در حالی است که جایگاه زنان در بلایا، بیش از یک قربانی است. و برعکس زنان عامل قدرتمند ایجاد تغییرات سازنده پس از بلایا می باشند. آنان، دارای مهارت های منحصر به فردی هستند که در راستای مدیریت خطرات و پیشگیری از آن ها در مناطق پر خطر، حایز اهمیت است.

ظرفیت ها و نقاط قوت

تصویری که بسیاری از پژوهشگران و نیز رسانه های همگانی از شرایط زنان متأثر از بلایا ترسیم می کنند تصویر قربانیان درمانده ای است که به امداد و نجات نیازمند می باشند؛ نمایش چنین تصاویری یکی از مهمترین علل نادیده انگاشتن توانمندی قدرت و تاب آوری زنان در مواجهه با بلایا است. امروزه سازمانهای متصدی امر پاسخ و بازیابی از بلایا به دلیل توجه ناکافی به توانمندیها و ظرفیت های زنان مورد انتقاد قرار گرفته اند. در اکثر جوامع تواناییهای زنان جهت کاهش مخاطرات و پیشگیری از بلایا و نیز مقابله و بازیابی از تأثیرات آنها مورد توجه قرار نگرفته یا توسعه داده نمی شود و علاوه بر آن، ظرفیتهای دانش و مهارتهای زنان در مراحل مختلف چرخه مدیریت بلایا نیز به طور ناکافی شناسایی شده و به کار گرفته نمی شود. در حالی که آسیب پذیری زنان می تواند با توانمند ساختن آنان، معرفی بیشتر ظرفیتهای این گروه، تجهیز نمودن آنها، آموزش و اطلاع رسانی و مشارکت مستقیم آنان در مدیریت بلایا کاهش یابد. بلایا اغلب فرصتی منحصر به فرد را در اختیار زنان قرار می دهد تا شرایط موجود خود در جامعه آسیب دیده را به چالش کشیده و تغییر دهند. زنان دارای نقشهای اجتماعی چندگانه هستند و در اکثر موارد در قالب گروه های اجتماعی فعال و در مدیریت بلایا مشارکت می نمایند پیش از رخداد بلایا چنین گروه هایی می بایست

شناسایی شوند تا با فعال کردن جامعه در راستای اجرای اقدامات کاهش خطر، آسیب پذیری جامعه را، در برابر مخاطرات، کاهش دهند. این ویژگی خصوصاً در بخش سلامت از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا زنان علاوه بر ارائه خدمات سلامت به آسیب دیدگان، مسئولیت تأمین سلامت و رفاه خانواده خود را نیز بر عهده دارند. بسیاری از جوامع با به کارگیری دانش و آگاهی زنان از ویژگی های محیطی که در آن زندگی می کنند (خصوصیات اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و ...) قادرند اقدامات پیشگیری لازم و مؤثر برای کاهش بلایا را به انجام رسانند. در این راستا، یکی از مهم ترین رویکردهای کاهش آسیب و آمادگی جامعه فراهم کردن آموزشهای جامع و غیر رسمی برای زنان و نیز ایجاد بستر لازم برای مشارکت آنان در برنامه های کاهش خطر بلایا است. به عنوان مثال، انجمن های اجتماعی زنان می توانند برنامه های بلایا، منابع جایگزین برای آب آشامیدن، مکان های اسکان، انبارهای غذا، جزئیات نقشه های مخاطره شامل تخلیه سریع خانواده و انتشار هشدار اولیه را برای جامعه مورد نظر فراهم کنند. زنان در اکثر موارد مسئول سازمان دهی و تأمین نیازهای اساسی همانند غذا، خدمات خانه داری و ایمنی ساختمان می باشند. آگاهی زنان و مداخله آنها در برنامه های بلایا به دلیل نقشهای اجتماعی و اقتصادی مهمی که ایفا می کنند، بسیار مهم است. به عنوان مثال فعالیت آنها در کشاورزی و آماده سازی غذا و نیز مشارکت و مداخله آنها در برنامه های امنیت غذایی در مناطق دارای خشک سالی، مهم است. مشارکت زنان در اجرای برنامه ها و اقدامات پیشگیری متمرکز بر گروه های آسیب پذیر جامعه همانند کودکان، سالمندان و معلولین نیز بسیار حائز اهمیت است

اگرچه انجام اقداماتی چون بازسازی خانه یا مشارکت در ایجاد مکان های اسکان توسط زنان معمولاً بر خلاف تمایل مردان است اما زنان از توانایی لازم جهت ایفای نقش هایی که به طور سنتی جزو وظایف مردانه می باشند برخوردارند. آگاهی و کاربرد چنین ظرفیت هایی می تواند بر تغییر ادراک جامعه از توانمندی های زنان تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین زنان یکی از مؤثرترین گروه ها جهت به تحرک واداشتن منابع جامعه برای پاسخ به بلایا می باشند و مشارکت آنان علاوه بر توسعه اجتماع، اثربخشی بالقوه اقدامات پیشگیری یا کاهش آسیب بلایا را به عنوان بخشی از فرآیند توسعه تقویت می کند. زنان می توانند در فرآیند ارزیابی آسیب پذیری ها و ظرفیت ها و نیز شناسایی معیارهایی که توانمندی آنها را برای مقابله و پاسخ دهی مؤثر به بلایا افزایش می دهد، مشارکت داشته باشند توانمندسازی زنان یکی از اهداف ضروری فرآیندهای بازیابی و توسعه پایدار است و مداخله احتمالی آنها در تلاش های کاهش آسیب، پیشگیری و آمادگی را در پی خواهد داشت.

به طور خلاصه می توان چنین نتیجه گیری کرد که توجه ناکافی سیاست گذاران و متصدیان امر مدیریت بلایا به چالشهای زنان و توانمندی های آنان در برنامه ریزی توسعه و مداخلات کاهش خطرات بلایا دستیابی به اهداف توسعه پایدار و کاهش خطرات بلایا را با شکست مواجه خواهد کرد. بنابراین، وارد کردن رویکرد جنسیت به سیاست ها، راهبرد ها و برنامه های مدیریت بلایا در تاب آوری جوامع و مقابله آنها با چالشهای ناشی از بلایا، ضروری است.